

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شبهانگ راد

۱۵ می ۲۰۱۸

برجام و ترمپ!

بالاخره و بعد از کش مکش‌های سیاسی، ترمپ - و در حقیقت جناح جمهوری خواه -، یکجانبه و بدون مشورت با هم‌تاهایش، ورقه برجام را پاره نمود و هشدار تازه‌ای به رژیم جمهوری اسلامی و دیگر رقبای امپریالیستی‌اش داد. در حقیقت دست‌یابی به سلاح‌های هسته‌ای کشورهایی همچون ایران، بهانه‌ایست برای تعرض به منابع طبیعی و معیشت میلیون‌ها انسان دردمند منطقه. تنش تازه‌ای را علم نموده‌اند تا سیاست‌های تعریف شده خود را، در گرداگرد "خاورمیانه بزرگ" به‌منصه عمل در آورند؛ طرح و گفت‌وگوهای جدیدی را به پیش کشیده‌اند تا قدر قدرتی خود را به دیگر جناح‌های رقیب، به‌نمایش بگذارند.

تنش کنونی، از ثمره چندگانه‌ای برخوردار است و تردیدی در آن نیست که کنار کشیدن دولت امریکا از برجام، تأثیرات مستقیم اقتصادی - سیاسی، و همچنین عواقب چندی بر جامعه جهانی و به ویژه بر فضای ایران گذاشته است. در همان اوان، ارزش ریال سقوط چهل درصدی داشته است و تنش، نگرانی‌ها و اضطراب میلیون‌ها انسان رنج‌دیده دو چندان شده است. ظاهراً ائتلاف مابین دول امپریالیستی - اروپا، چین و روسیه - با دولت امریکا، به‌مرحله تازه‌ای شیفتم نموده و رایزنی‌ها برای متقاعد نمودن دولت امریکا در "وفاداری" به بازی‌های سیاسی و "قواعد بین‌المللی" هم شدت یافته است. در ادامه و بیان آسیب‌های اقتصادی و به سخره گرفتن قواعد وصف شده سرمایه، به محور اصلی دیپلماسی دولت‌مردان بزرگ جهان از جمله آلمان، فرانسه، انگلیس و غیره با دولت امریکا تبدیل گشته است. در هر صورت و هر از چند گاهی بایست و می‌باید، قواعد بازی - سیاسی منطقه را، برای اجرای بهتر و مطلوب‌تر سیاست‌های کلان‌تر، جابه‌جا نمود؛ می‌باید در دوره‌های متفاوت، نقش اصلی و هژمونی خود را به دیگر سرمایه‌داران جهان، علناً - و این‌گونه - گوشزد کرد؛ باید نشان داد که بدون کرنش در برابر سیاست‌های امریکا، نمی‌توان جهان و حیات طبقه سرمایه‌داری را تضمین نمود و دم و دستگاه‌های سود ده آن را به گردش در آورد؛ باید نشان داد که بدون راه‌اندازی تنش وسیع‌تر، و بدون فروش بیش‌تر تسلیحات نظامی، نمی‌توان اقتصاد فرتوت امپریالیستی و به ویژه دولت امریکا را نجات داد.

توافق برجام را دولت امریکا پاره نموده است تا سیاست‌های اقتصادی‌اش را رونق بخشد؛ توافق برجام را از برنامه‌های خود دور ساخت تا نقش و قدرت خود را به‌دیگر رقبای سرمایه نشان داد. دلیلی نداشت - و ندارد -، تا در فضای مذاکره

و در بازی‌های توافق شده، علم شنگه جدیدی به راه انداخت. نشان داده‌اند که قوانین و نظم و ترتیب‌شان، فاقد ارزش و اعتبار برای خودی‌های‌شان است. این دست توافقات همواره و همواره، فریب و انحراف افکار عمومی‌ست و دیده شده است که توافق آن‌ها، نه تنها دردی از دردهای بی‌شمار کارگران و زحمت‌کشان را دردمان نکرده - و نخواهد کرد -، فاصله‌گیری و پاره کردن آن از جانب ترمپ هم، در خدمت به رهائی مردم از زیر یوغ نظام‌های امپریالیستی و استثمارگران و سودجویان - نبوده و - نیست.

دولت‌مردان بزرگ، دنیا را با نظم و ترتیب دلخواه‌شان چیدمان، و در این‌میان میلیون‌ها انسان را تلف نموده‌اند و از خانه و کاشانه‌شان رانده‌اند، تا از نعمات و امکانات طبیعی جوامع متفاوت، سهم بیش‌تری ببرند. بی دلیل نبوده و نیست که جنگ و میدان تنش‌های مابین خودی‌ها، به سرزمین‌هایی همچون، عراق، افغانستان، لیبیا، سودان، سومالی، یمن، سوریه و خلاصه به جوامع تحت سلطه منتقل نموده‌اند. بر زور آزمائی‌ها و بر گردن‌کشی‌های خود افزوده‌اند و به بهانه کوتاه نمودن دست‌های رقیب سرمایه از منطقه، بر سر مردم و محروم‌ترین اقشار جامعه بمب انداخته‌اند، تا حق و حقوق جناح‌های خودی را تضمین نمایند. پیداست که در این‌میان قربانیان اصلی و لبه تیز حمله، مردم‌اند و دود آن، به چشم آنان خواهد رفت. متأسفانه مردم و آن‌هم بنابه ده‌ها دلیل معتبر، نقش تعیین کننده و تأثیرگذاری در روند سیاست‌های انتخابی و تنش‌زای امپریالیستی ندارند و در انتظار، حمل بار بیش از پیش تخریب و دربدری، از جانب قدرت‌مداران بین‌المللی‌اند. وضعیت زیستی میلیون‌ها زن و مرد، جوان و کودک و همچنین فضای جوامع متفاوت بسیار دهشتناک و وخیم است و در این مابین سازمان دهندگان دنیای کنونی، چیزی برای مردم باقی نگذاشته‌اند و چهره و سیمای منطقه خاورمیانه را میدل به التهاب سیاسی، و در خون غلتیدن بی‌دفاع‌ترین انسان‌ها نموده‌اند. آشکار است که بار مسؤلیت مصیبت‌ها، بر گرده راه‌اندازان آن است و همه آنان و علی‌رغم جانب‌داری گفتاری از حقوق انسانی، در صف سرمایه‌اند و قصد و مقصودشان، دست‌درازی پیش از این، از منابع سرشار طبیعی‌ست؛ همه آنان و علی‌رغم اختلافات صوری، به دنبال تشدید فضای جنگی و فروش تسلیحات نظامی به دولت‌ها و دسته‌جات مسلح و ارتجاعی وابسته به خود اند.

بنابراین علل راه‌اندازی جاروجنگ‌ها و موارد طرح شده از جانب دولت امریکا، نه در ناباوری سردمداران رژیم جمهوری اسلامی به قواعد و بازی‌های سیاسی امپریالیست‌ها، بلکه در عملی نمودن گام به‌گام سیاست‌های از پیش نوشته شده دولت امریکا، پیرامون راه‌اندازی و تشدید بیش از پیش جنگ، به‌منظور اجرای سیاست "خاورمیانه بزرگ" است. پُر واضح است که رژیم جمهوری اسلامی و به‌مانند دیگر نظام‌های سرمایه‌داری از سیاست معین اقتصادی - سیاسی روشنی پیروی نموده و تاکنون خدمات بس ارزنده‌ای برای دولت‌مران بزرگ جهانی و از جمله دولت امریکا انجام داده است. موضوع اصلی، واداشتن دیگر جناح‌های امپریالیستی به سیاست‌های انتخابی دولت امریکا‌ست. از یادها نرفته است که چگونه دولت امریکا بدون مشورت و علی‌رغم مخالفت‌های ظاهری دیگر همپالگی‌هایش، به عراق حمله نموده است؛ دیده شده است که هزاران کارگر و زحمت‌کش را به‌خاک و خون کشاند و لیبیا را، به‌میدان تضادها و جناح‌های امپریالیستی و دیگر دسته‌جات مسلحش تبدیل نموده است، و در ادامه و خلاصه سرزمین سوریه را همچنان، در آتش و خون نگه داشته است تا سیاست‌های منفعت‌جویانه خود را پی گیرد. در حقیقت راه‌اندازی جنگ تازه‌تر و یا تشدید فضای تنش، ضامنی بر اقتصاد فرتوت نظام‌های امپریالیستی و به ویژه امپریالیزم امریکا‌ست. تاکنون و به بهانه مبارزه با سلاح‌های هسته‌ای، میلیاردها دالر سود به جیب زده‌اند. به سخن دیگر می‌توان گفت که علت سر و صداها، اخیر، نه در نقض قرار و مدارهای امپریالیستی، بلکه در پی‌گیری سیاست‌های کلان‌تر اقتصادی - سیاسی در منطقه خاورمیانه است و خلاف بانیان و مسبب جنگ‌های تخریب کننده، دلیل اصلی آن، به حیات و به حاکمیت سرمایه‌داران و دولت‌مدارانی همچون امریکا و دیگر نظام‌های وابسته ای همچون عراق، افغانستان و ایران و غیره بر می‌گردد. همچنین و خلاف

ادعاهای دروغین امپریالیست‌ها و به ویژه دولت امریکا، علت، صرفاً در بناحقی رژیم‌های وابسته و جانبی همچون رژیم جمهوری اسلامی نیست، بلکه نهفته در مناسبات گنبدیده نظام‌های امپریالیستی‌ست. شک و شبهه‌ای نیست که نظام جمهوری اسلامی و سردمدارانش، باید به‌گور سپرده شوند تا مردم، از وضعیت افسبار کنونی نجات یابند. عیان شده است که تنفر و انزجار مردم از سردمداران رژیم جمهوری اسلامی به بالاترین حد ممکنه رسیده است که تجلی آن را می‌شد در اعتراضات دی‌ماه [جدی] سال گذشته به‌عینه دید. با این اوصاف نیازی به دخالت‌گری‌ها و یا "دل‌سوزی"‌های جنایت‌کارانی همچون ترمپ و دیگر دولت‌مداران بزرگ جهانی برای میلیون‌ها کارگر و زحمت‌کش، پیر و جوان و کودک - نبوده و - نیست. در حقیقت پادر میانی آنان، از سر خیرخواهی نیست؛ از یکسو ذینفع‌اند و از سوی دیگر قصد و مقصودشان، اشکال‌تراشی و تغییر روند جنبش‌های اعتراضی و رادیکال در درون است.

به هر حال تغییر وضعیت و فضای کنونی، ماهیت حقیقی سردمداران رژیم جمهوری اسلامی را، کدر و مسیر انقلاب را منحرف خواهد نمود. امپریالیست‌ها و به ویژه امپریالیزم امریکا این‌بار و در تداوم سیاست‌های تنش‌زا و جنگی‌شان در منطقه خاورمیانه، بر روی ایران زوم شده‌اند و در صدد عملی نمودن سیاست‌های شوم و تخریب‌کننده‌اند. بدین ترتیب جوامعی همچون ایران، قربانی سیاست‌های سودجویانه امپریالیزم امریکا و دیگر شرکای ذینفع‌شان‌اند. دولت ترمپ بر آن است، تا با مسلح نمودن و با فروش سلاح‌های مدرن به عربستان سعودی و دیگر دولت‌ها، بر دامنه تنش‌های قومی - قبیله‌ای و همچنین بر جنگ‌های امپریالیستی خاورمیانه، بر تقویت و بر تعرض دولت اشغال‌گر اسرائیل در سرکوب بیش از پیش جنبش فلسطین و منطقه بیفزاید. پاره نمودن برجام در بستر چنین فضای سیاسی شکل گرفته است و ناگفته نماند که رایزنی و تنش دولت‌های بزرگ امپریالیستی با دولت امریکا، پیرامون زیر پای گذاشتن قواعد و "قوانین بین‌المللی" صوری، بی‌مایه و فاقد کارکرد درازمدت و دائمی می‌باشد. این دولت‌ها بنابه ده‌ها دلیل روشن، در صحنه اقتصادی - سیاسی جهان، قادر و در حقیقت خواهان پس زدن سیاست‌های امپریالیستی و به ویژه دولت امریکا نیستند. به مراتب منافع دولتهایی همچون المان، فرانسه، انگلیس و امثالهم در دنیای سرمایه‌داری، وسیع‌تر و استوارتر از، تکیه به قرار و مدارهای برجام و یا حمایت دائمی از رژیم جمهوری اسلامی‌ست. چرا که گستره منافع جناح‌های متفاوت قدرت‌مداران بزرگ، فراقشوری و فرامنطقه‌ای‌ست و تردیدی در آن نیست که در زمان و در برهه‌های دیگر، طرف‌های تنش، به‌منظور پیش‌برد بهتر نقشه‌های امپریالیستی در منطقه، سیاست تازه‌ای را در مقابل خود قرار خواهند داد؛ سیاستی که متضمن برقراری حاکمیت طبقه سرمایه‌داری، و همچنین در برگزیده به انحراف کشاندن جنبش‌های پیش‌رونده اعتراضی، علیه بی‌عدالتی‌ها و زیاده‌خواهی‌های سرمایه‌داران جهانی و دیگر حامیان‌شان در منطقه خاورمیانه است.

۱۴ مه ۲۰۱۸

۲۴ اردیبهشت [ثور] ۱۳۹۷